



Research Article

Volume-05|Issue-02|2025

امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان از (2021-2024)

Subhanullah Subhani

PhD student at Kharazmi University, Tehran, Iran & Professor, Orchid ID: <https://orcid.org/0009-0004-9217-9139>
subhanullah.subhani349@gmail.com

Article History

Received: 27.02.2025

Accepted: 20.03.2025

Published: 30.03.2025

Citation

Subhani, S. (2025). امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان از (2021-2024). *Indiana Journal of Multidisciplinary Research*, 5(2), 15-24.

چکیده

از سال 2021 تا 2024، آموزش بانوان در افغانستان به یکی از موضوعات حساس و امنیتی در ابعاد داخلی و بین‌المللی تبدیل شده است. پس از به قدرت رسیدن طالبان در اگوست 2021، سیاست‌های محدودکننده‌ای در زمینه آموزش بانوان اعمال شد که شامل تعطیلی مدارس متوسطه و دانشگاه‌ها برای دختران بود. این سیاست‌ها با توجه به باورهای ایدئولوژیک و فرهنگی همراه بود، اما پیامدهای آن فراتر از مسائل مذهبی یا فرهنگی بوده و امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. این پژوهش دنبال پاسخ به این سوال است که چگونه امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان از سال 2021 تا 2024 بر امنیت اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی این کشور تأثیر گذاشته است؟ امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان از سال 2021 تا 2024، با ایجاد محدودیت‌های گسترده در آموزش و حذف زنان از عرصه‌های اجتماعی، منجر به تشدید ناامنی داخلی، افزایش نارضایتی‌های اجتماعی، و تقویت فشارهای بین‌المللی علیه طالبان شده و در عین حال، به بی‌ثباتی منطقه‌ای از طریق افزایش مهاجرت و چالش‌های حقوق بشری کمک کرده است. ممنوعیت آموزش بانوان منجر به افزایش نارضایتی‌های اجتماعی، تشدید فقر و محدود شدن مشارکت زنان در عرصه‌های عمومی شده که این عوامل می‌توانند به بی‌ثباتی داخلی منجر شوند. در سطح بین‌المللی، این مسئله به بحران حقوق بشری گسترده‌ای تبدیل شده و واکنش‌هایی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های خارجی به دنبال داشته است. همچنین موج مهاجرت زنان تحصیل‌کرده و دانشجویان افغانستانی به کشورهای همسایه و فراتر از آن، بر امنیت منطقه‌ای تأثیر گذاشته است. در عین حال مقاومت‌های مدنی و تلاش‌های زنان برای حفظ حق آموزش از طریق تظاهرات، آموزش‌های زیرزمینی و کمپین‌های آنلاین، نشان‌دهنده پویایی جامعه مدنی افغانستان است.

واژه‌های کلیدی: امنیتی شدن، آموزش بانوان، افغانستان، نارضایتی اجتماعی، امنیت داخلی، امنیت بین‌المللی، مهاجرت، مقاومت مدنی

Abstract: From 2021 to 2024, women's education in Afghanistan has become a sensitive and security issue in both domestic and international dimensions. After the Taliban came to power in August 2021, restrictive policies were implemented in the field of women's education, including the closure of secondary schools and universities for girls. These policies were accompanied by ideological and cultural justifications, but their consequences went beyond religious or cultural issues and affected the social, economic, and political security of the country. This research seeks to answer the question of how the securitization of women's education in Afghanistan from 2021 to 2024 has affected the social, political, and international security of the country. The securitization of women's education in Afghanistan from 2021 to 2024, by creating widespread restrictions on education and excluding women from social spheres, has led to an escalation of internal insecurity, increased social discontent, and strengthened international pressure against the Taliban, while at the same time contributing to regional instability through increased migration and human rights challenges.

The ban on women's education has led to increased social discontent, exacerbated poverty, and limited women's participation in public spheres, which can lead to internal instability. Internationally, this issue has become a widespread human rights crisis and has led to reactions from international organizations and foreign governments. The wave of migration of educated Afghan women and students to neighboring countries and beyond has also affected regional security. At the same time, civil resistance and women's efforts to preserve the right to education through demonstrations, underground education, and online campaigns demonstrate the dynamism of Afghan civil society.

Keywords: Securitization, Women's Education, Afghanistan, Social Discontent, Internal Security, International Security, Migration, Civil Resistance

Copyright © 2025 The Author(s); This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY-NC 4.0).

1- مقدمه

امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان در سال‌های اخیر، به‌ویژه از زمان بازگشت طالبان به قدرت در اگوست 2021، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی، سیاسی و حقوق بشری این کشور تبدیل شده است. طالبان با تعطیلی مدارس متوسطه و دانشگاه‌ها برای دختران و اعمال محدودیت‌های گسترده بر حق آموزش زنان، تلاش کرده‌اند تا نظم اجتماعی خاصی مبتنی بر برداشت ایدئولوژیک خود از شریعت اسلامی را اعمال کنند (UNESCO, 2022). این سیاست‌ها نه تنها بر زندگی شخصی و اجتماعی زنان افغانستانی تأثیر گذاشته، بلکه پیامدهای عمیقی برای توسعه انسانی، امنیت داخلی و روابط بین‌المللی افغانستان داشته است. امنیتی شدن آموزش بانوان به معنای تبدیل یک مسئله اجتماعی یا فرهنگی به یک موضوع امنیتی است که به برخوردهای شدید و کنترل‌گرایی منجر می‌شود. طالبان از زمان بازگشت به قدرت، آموزش بانوان را به عنوان تهدیدی برای نظم اجتماعی خود تعبیر کرده و آن را به حوزه امنیتی منتقل کرده‌اند. این سیاست‌ها در قالب قوانین محدودکننده، سرکوب اعتراض‌ها و نظارت شدید بر فعالیت‌های آموزشی اعمال شده است. این امر منجر به گسترش نارضایتی‌های اجتماعی، ایجاد تنش‌های داخلی و حتی شکل‌گیری نوعی مقاومت مدنی شده است که از طریق مدارس زیرزمینی و تلاش‌های آنلاین زنان برای دسترسی به آموزش نمود یافته است (Human Rights Watch, 2023).

ممنوعیت آموزش زنان، علاوه بر تشدید فقر و کاهش توانمندی‌های اجتماعی، به نارضایتی‌های گسترده‌ای در سطح جامعه انجامیده است. مقاومت‌های مدنی از جمله مدارس زیرزمینی و کمپین‌های آنلاین، نشان‌دهنده تلاش‌های زنان افغانستانی برای حفظ حقوق خود بوده است (Human Rights Watch, 2023). در سطح بین‌المللی، این مسئله به‌عنوان یک بحران حقوق بشری شناخته شده و باعث اعمال فشارهای دیپلماتیک و تحریم‌های اقتصادی علیه طالبان شده است (Amnesty International, 2023). این پژوهش به بررسی روند امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان طی سال‌های 2021 تا 2024 می‌پردازد و تأثیرات آن را بر امنیت داخلی، روابط اجتماعی و سیاست‌های بین‌المللی کشور تحلیل می‌کند. هدف اصلی شناسایی پیامدهای این روند و ارائه راهکارهایی

برای مقابله با چالش‌های ناشی از آن است، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به فهم بهتر بحران کنونی و طراحی سیاست‌های مؤثر برای حمایت از حقوق زنان و بهبود وضعیت امنیتی در افغانستان کمک کند، این پژوهش بدنبال پاسخ به این سوال است که چگونه امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان از سال 2021 تا 2024 بر امنیت اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی این کشور تأثیر گذاشته است؟ امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان از سال 2021 تا 2024، با ایجاد محدودیت‌های گسترده در آموزش و حذف زنان از عرصه‌های اجتماعی، منجر به تشدید ناامنی داخلی، افزایش نارضایتی‌های اجتماعی، و تقویت فشارهای بین‌المللی علیه طالبان شده و در عین حال، به بی‌ثباتی منطقه‌ای از طریق افزایش مهاجرت و چالش‌های حقوق بشری کمک کرده است.

2- چارچوب نظری (Securitization Theory)

نظریه امنیتی شدن یکی از نظریه‌های کلیدی در تحلیل مسائل امنیتی و روابط بین‌الملل است که توسط کپیر بوزان، یان ویور و اُیوید بوایلد (Kier Buzan, Yan Waever, and Ove De Wilde) در سال 1998 معرفی شد، این نظریه بر این فرض استوار است که تهدیدات و مسائل امنیتی از طریق یک فرآیند اجتماعی و سیاسی به مسائل امنیتی تبدیل می‌شوند، نه به‌طور ذاتی و مستقل از گفتمان‌های اجتماعی. طبق این نظریه، امنیتی شدن فرآیند "امنیتی سازی" یک موضوع از سوی نخبگان سیاسی و اجتماعی است که به یک تهدید امنیتی تبدیل می‌شود، در واقع این فرآیند موجب می‌شود که مسائل اجتماعی و سیاسی، مانند حقوق زنان، مهاجرت، محیط زیست و آموزش، به‌عنوان تهدیدات امنیتی مطرح شده و به سیاست‌ها و استراتژی‌های امنیتی متصل شوند، نظریه امنیتی شدن به‌ویژه در تحلیل‌های امنیتی روابط بین‌الملل و امنیت داخلی به‌کار می‌رود و بر اهمیت گفتمان‌ها در تبدیل مسائل به تهدیدات امنیتی تأکید دارد. این نظریه بر این اصل استوار است که هر مسأله‌ای که در یک جامعه به‌عنوان تهدید امنیتی شناخته می‌شود، باید از طریق یک گفتمان سیاسی و اجتماعی به آن وضعیت تبدیل شود، (Buzan, 1988). فرآیند امنیتی شدن به‌طور عمده شامل سه مرحله است: گفتمان‌سازی تهدید، معرفی تهدید به‌عنوان یک اولویت امنیتی، و استفاده از ابزارهای امنیتی برای مقابله با تهدید، در نظریه امنیتی شدن، این سه عنصر به‌طور واضح و مؤثر عمل می‌کنند:

1- گفتمان‌سازی تهدید: در این مرحله، نخبگان سیاسی یا رهبران اجتماعی، موضوعات خاصی مانند آموزش زنان، مهاجرت، یا مسائل قومی را به‌عنوان تهدیدات بزرگ برای امنیت جامعه معرفی می‌کنند، یا کنشگران امنیتی (مانند دولت‌ها، گروه‌های سیاسی یا مذهبی) از زبان و گفتمان خاصی برای توصیف یک موضوع استفاده می‌کنند که آن را به عنوان تهدیدی فوری و وجودی مطرح می‌کند، معرفی یک موضوع به‌عنوان یک تهدید وجودی برای بقا یا ارزش‌های اساسی یک جامعه، این مرحله با فعالیت نخبگان سیاسی، رهبران اجتماعی یا گروه‌های ذی‌نفع آغاز می‌شود که از زبان گفتمان امنیتی استفاده می‌کنند، استفاده از مفاهیمی مانند "خطر"، "تهدید"، یا "تهدید" در گفتمان عمومی، تأکید بر ضرورت اقدامات فوری برای مقابله با خطر، در افغانستان، طالبان آموزش زنان را به‌عنوان تهدیدی برای ارزش‌های اسلامی و اجتماعی معرفی کرده و از گفتمان "غرب‌گرایی" و "تهدید فرهنگی" بهره گرفته است.

2- ایجاد اولویت امنیتی: از گفتمان‌سازی، مسئله به‌طور رسمی به یک اولویت امنیتی تبدیل می‌شود و به سطح بالاتری از نگرانی امنیتی ارتقا می‌یابد، رتقاء موضوع از یک نگرانی عادی به یک اولویت امنیتی حیاتی، پس از گفتمان‌سازی، تهدید باید به‌طور رسمی به عنوان یک اولویت امنیتی در نهادهای حکومتی یا اجتماعی پذیرفته شود، این پذیرش معمولاً با حمایت مخاطبان (مانند مردم، نخبگان سیاسی یا سازمان‌های تصمیم‌گیر) انجام می‌شود، تصمیم‌گیری رسمی برای برخورد با موضوع، طرح آن در سیاست‌ها یا اقدامات دولتی به‌عنوان یک تهدید فوری، طالبان با پذیرش گسترده در میان هواداران خود و صدور قوانین محدودکننده، آموزش زنان را به یک اولویت امنیتی ارتقاء داد.

3- استفاده از ابزارهای امنیتی: در این مرحله، مسئله به‌طور فعالانه تحت تدابیر و اقدامات امنیتی قرار می‌گیرد، که ممکن است شامل مداخلات نظامی، قوانین امنیتی، یا دیگر اقدامات محدودکننده باشد، اقدام فعالانه برای مقابله با تهدید معرفی شده، به‌کارگیری تدابیر امنیتی، از جمله مداخلات نظامی؛ اعمال زور یا سرکوب، وضع قوانین جدید برای مهار تهدید، اجرای سیاست‌هایی که به کنترل بیشتر بر جامعه یا گروه‌های هدف منجر می‌شود، ممنوعیت کامل آموزش زنان در افغانستان و بستن مدارس و دانشگاه‌ها، برخورد شدید با نهادها یا افرادی که از سیاست‌های طالبان سرپیچی کنند. این سه مرحله، چارچوبی دقیق برای تحلیل امنیتی شدن مسائل اجتماعی ارائه می‌دهند. در مثال افغانستان، آموزش بانوان ابتدا از طریق گفتمان طالبان به یک تهدید وجودی تبدیل شد، سپس به اولویت امنیتی ارتقاء یافت و در نهایت با اقدامات محدودکننده‌ای مانند تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها برای دختران مواجه شد.

2-1 کاربرد نظریه امنیتی شدن در تحلیل آموزش زنان در افغانستان

در زمینه موضوع امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان از 2021 تا 2024، نظریه امنیتی شدن می‌تواند ابزاری قدرتمند برای تحلیل چگونگی تبدیل آموزش زنان به یک مسئله امنیتی توسط طالبان باشد. در این زمینه، مسئله آموزش زنان و دختران افغان ابتدا به‌عنوان یک موضوع حقوق بشری و اجتماعی مطرح بود، اما پس از بازگشت طالبان به قدرت، این موضوع به سرعت وارد عرصه امنیتی شد.

گفتمان‌سازی تهدید: طالبان، با استفاده از گفتمان‌های دینی و فرهنگی خود، آموزش دختران و زنان را تهدیدی برای هویت اسلامی و سیاسی خود و برای امنیت اجتماعی افغانستان معرفی کردند، این گفتمان، که شامل مفاهیم "فساد اجتماعی" و "تهدید به اصول اسلامی" بود، توانست فضای عمومی را به‌طور مؤثری به سمت امنیتی شدن آموزش بانوان هدایت کند.

ایجاد اولویت امنیتی: از گفتمان‌سازی، طالبان به‌طور رسمی به این نتیجه رسیدند که برای حفظ امنیت ملی و اجتماعی افغانستان، باید آموزش دختران را محدود کنند، این اقدام آن‌ها باعث شد که محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های قانونی و فرهنگی برای آموزش زنان به یک اولویت امنیتی تبدیل شود.

استفاده از ابزارهای امنیتی: پس از آن، طالبان برای مقابله با آنچه که به‌عنوان تهدید امنیتی به‌تصور کشیده بودند، از ابزارهای مختلف امنیتی استفاده کردند، این ابزارها شامل ممانعت از برگزاری مدارس، بستن دانشگاه‌ها برای زنان، ایجاد قوانین محدودکننده، و همچنین استفاده از تهدیدات نظامی و انتظامی برای سرکوب مخالفان بودند، (Sjostedt, 2016).

نظریه امنیتی شدن به‌ویژه در زمینه تحلیل امنیتی شدن آموزش زنان در افغانستان می‌تواند به درک بهتر فرآیندهای پیچیده‌ای که منجر به امنیتی شدن مسائل اجتماعی می‌شود کمک کند، در این زمینه این نظریه نه تنها به درک دلایل و فرآیندهای امنیتی شدن آموزش زنان کمک می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که چگونه نهادها می‌توانند مسائل اجتماعی را به تهدیدات امنیتی تبدیل کرده و از ابزارهای امنیتی برای تحقق اهداف خود استفاده کنند، (Mueller, 2014).

3- تحلیل زمینه‌ای و تاریخی وضعیت آموزش بانوان در افغانستان پیش از (2021)

آموزش بانوان در افغانستان یکی از موضوعات کلیدی توسعه اجتماعی این کشور طی دو دهه اخیر بوده است، پس از سقوط رژیم طالبان در سال 2001 و استقرار جمهوری اسلامی افغانستان، جامعه جهانی و دولت افغانستان تلاش‌های گسترده‌ای برای بهبود وضعیت آموزش، به‌ویژه برای دختران، انجام دادند، این دوره نشان‌دهنده پیشرفت‌های قابل‌توجه در دسترسی زنان به آموزش، اما همراه با چالش‌های مداوم بود، آموزش بانوان در افغانستان طی سال‌های 2001 تا 2021 به یکی از اولویت‌های توسعه اجتماعی و سیاسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان و جامعه بین‌المللی تبدیل شد، این دوره نشان‌دهنده تلاش‌های گسترده برای گسترش دسترسی دختران به آموزش، همراه با چالش‌های ریشه‌دار امنیتی، فرهنگی و اقتصادی بود.

1-3- وضعیت آموزش بانوان در افغانستان پیش از 2001: در دوران حاکمیت طالبان (1996-2001)، آموزش بانوان عملاً ممنوع بود، دختران از رفتن به مدرسه محروم شدند، و معلمان زن از تدریس بازداشته شدند (Human Rights Watch, 2001). این محدودیت‌ها باعث شد که دسترسی زنان به آموزش در حد صفر باقی بماند، تا سال 2001، تنها حدود 5 هزار دانش‌آموز دختر در مدارس خصوصی یا غیررسمی شرکت می‌کردند (UNESCO, 2002). پس از به قدرت رسیدن طالبان در سال 1996، این گروه به سرعت قوانینی وضع کرد که زنان و دختران را از حقوق اساسی خود، از جمله حق آموزش، محروم می‌کرد. براساس این قوانین: دختران بالاتر از سن 8 سالگی اجازه حضور در مدرسه را نداشتند، مدارس دخترانه به‌طور کامل تعطیل شدند، تدریس زنان در مدارس یا دیگر مراکز آموزشی ممنوع شد (Human Rights Watch, 2001). این سیاست‌ها باعث شد که دسترسی زنان و دختران به آموزش در بیشتر مناطق تحت کنترل طالبان به صفر برسد، تنها استثناهایی محدود در شهرهای بزرگ، آن هم در قالب مدارس خصوصی یا غیررسمی، وجود داشت که در مواردی با خطرات جدی مواجه بودند.

با وجود ممنوعیت رسمی، برخی خانواده‌ها و معلمان زن تلاش کردند تا از طریق مدارس غیررسمی یا کلاس‌های زیرزمینی، دختران را آموزش دهند، این مدارس اغلب در خانه‌ها و به‌صورت پنهانی اداره می‌شدند، تا سال 2001، برآورد می‌شود که تنها حدود 5 هزار دانش‌آموز دختر در چنین مراکز آموزشی می‌دیدند، این فعالیت‌ها با خطرات زیادی همراه بود؛ طالبان در موارد متعددی معلمان زن و دانش‌آموزان را به‌شدت مجازات کردند، این تهدیدها و محدودیت‌ها باعث شد که حتی این تلاش‌های محدود نیز نتوانند به نیازهای گسترده آموزشی پاسخ دهند، (UNESCO, 2002).

علاوه بر قوانین طالبان، فرهنگ سنتی و محافظه‌کارانه در بسیاری از مناطق افغانستان نیز آموزش دختران را محدود می‌کرد، حتی پیش از روی کار آمدن طالبان، تحصیل دختران در بسیاری از مناطق روستایی و قبیله‌ای به دلایل فرهنگی و مذهبی ناپذیرفتنی بود. طالبان با تکیه بر این ارزش‌های سنتی، سیاست‌های خود را در میان برخی از جوامع مشروعیت بخشیدند، این دوره اثرات ویرانگری بر آموزش بانوان در افغانستان برجای گذاشت؛ افزایش بی‌سوادی، تا سال 2001، نرخ سواد زنان به کمتر از 10 درصد کاهش یافت و در مناطق روستایی این رقم نزدیک به صفر بود، عدم توسعه زیرساخت‌ها، بسیاری از مدارس دخترانه تعطیل و تخریب شدند، و حتی پس از سقوط طالبان، بازسازی این زیرساخت‌ها به سرعت امکان‌پذیر نبود، تشدید تبعیض جنسیتی، قوانین طالبان تفکرات تبعیض‌آمیز را در جامعه تقویت کرد، به‌طوری که حتی پس از سقوط این گروه، مخالفت‌های اجتماعی با تحصیل دختران همچنان باقی ماند، زمانی که طالبان در سال 2001 سقوط کرد، افغانستان با یک بحران آموزشی عظیم مواجه بود، در این دوران، میلیون‌ها دختر که در سن تحصیل بودند، هرگز به مدرسه نرفته بودند، طبق گزارش UNESCO، در آن سال تنها 5 هزار دختر در مدارس غیررسمی شرکت داشتند، در حالی که نیاز واقعی جامعه بسیار بیشتر بود.

3-2- دستاوردهای آموزشی در دوران جمهوری اسلامی افغانستان (2001-2021): سقوط طالبان در سال 2001 نقطه عطفی در تاریخ آموزش بانوان در افغانستان بود، این دوره با تلاش‌های گسترده جامعه بین‌المللی و دولت افغانستان برای بازسازی نظام آموزشی و گسترش دسترسی به آموزش برای همه، به‌ویژه دختران، همراه بود. با این حال، با وجود پیشرفت‌های قابل‌توجه، عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، و امنیتی همچنان مانع دستیابی کامل به آموزش برای دختران بودند، پس از سقوط رژیم طالبان، جامعه جهانی و دولت افغانستان اصلاحات گسترده‌ای برای احیای نظام آموزشی کشور انجام دادند که آموزش بانوان در مرکز این تلاش‌ها قرار داشت، رشد دسترسی به آموزش، افزایش تعداد دانش‌آموزان دختر، تعداد دانش‌آموزان دختر از تقریباً صفر در سال 2001 به 3.5 میلیون نفر در سال 2021 رسید (World Bank, 2020).

پس از 2001، کشورهای کمک‌کننده بین‌المللی و سازمان‌هایی مانند یونیسف، بانک جهانی، و USAID برنامه‌های گسترده‌ای را برای توسعه زیرساخت‌های آموزشی و بهبود دسترسی به آموزش آغاز کردند، تعداد زیادی مدرسه دخترانه که در دوران طالبان بسته شده بودند، بازگشایی شد. همچنین در این دوره ساخت مدارس جدید در مناطق شهری و روستایی افزایش یافت، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تا سال 2018، تعداد کودکان افغانستانی ثبت‌نام شده در مدارس به بیش از 9 میلیون نفر رسید، در حالی که این رقم در سال 2001 کمتر از 1 میلیون نفر بود. از این تعداد، نزدیک به 3.5 میلیون دانش‌آموز دختر بودند که این پیشرفت به دلیل تلاش‌های مشترک داخلی و بین‌المللی بود (UNICEF, 2018). با وجود این پیشرفت‌ها، ناامنی یکی از بزرگترین موانع دسترسی دختران به آموزش بود، گروه‌های شورشی (داعش) و اسلامی (طالبان)، به مدارس دخترانه حمله می‌کردند، معلمان زن را تهدید می‌کردند، و در بسیاری از مناطق اجازه نمی‌دادند دختران به مدرسه بروند. این تهدیدها باعث شد بسیاری از خانواده‌ها از ترس جان دختران خود، آن‌ها را از مدرسه خارج کنند، طبق گزارش یونیسف، تنها در سال 2018 بیش از 1000 مدرسه به دلیل ناامنی تعطیل شدند، که این امر بیش از 500,000 کودک را از آموزش محروم کرد، (UNICEF, 2018)، بسیاری از این مدارس در مناطق روستایی و دورافتاده بودند، جایی که نظارت دولت ضعیف و کنترل شورشیان قوی‌تر بود.

فرهنگ سنتی و محافظه‌کارانه در بسیاری از مناطق افغانستان نیز مانعی جدی برای آموزش دختران بود، در جوامعی که ارزش‌های قبیله‌ای و پدرسالارانه غالب بود، تحصیل دختران اغلب بی‌اهمیت یا حتی ناپسند تلقی می‌شد، بسیاری از خانواده‌ها باور داشتند که جایگاه دختران در خانه است و آموزش ممکن است آن‌ها را از نقش‌های سنتی‌شان دور کند، علاوه بر این، موضوعات مانند ازدواج زود هنگام نیز به ترک تحصیل بسیاری از دختران انجامید. طبق آمار بانک جهانی، حدود 17 درصد از دختران افغانستانی پیش از رسیدن به سن 15 سالگی ازدواج می‌کردند، که این امر به‌طور مستقیم بر فرصت‌های آموزشی آن‌ها تأثیر منفی داشت، فقر یکی دیگر از عوامل اساسی در محرومیت دختران از آموزش بود، بسیاری از خانواددهای فقیر قادر به تأمین هزینه‌های آموزش، حتی در مدارس دولتی، نبودند. هزینه‌هایی نظیر لباس فرم، کتاب، و نوشت‌افزار، به‌ویژه در مناطق فقیرنشین، مانع بزرگی برای تحصیل دختران بود، در برخی موارد، خانواده‌ها مجبور بودند بین فرستادن پسر یا دختر به مدرسه یکی را انتخاب کنند و غالباً پسران اولویت داشتند. این ترجیح به دلیل تصورات سنتی از نقش‌های جنسیتی و بازگشت اقتصادی پسران به خانواده بود.

هرچند دولت افغانستان و جامعه بین‌المللی توانستند تغییرات چشمگیری در نظام آموزشی ایجاد کنند، اما این تلاش‌ها نتوانستند تمامی موانع را از میان بردارند. طبق گزارش یونیسف، تا سال 2018، حدود 3.7 میلیون کودک افغان از تحصیل محروم بودند، که 60 درصد آن‌ها دختران بودند. این آمار نشان‌دهنده چالش‌های چندوجهی است که همچنان در برابر آموزش دختران وجود داشت، دوره پس‌اطالبان تا 2021 با پیشرفت‌های زیادی در زمینه آموزش بانوان همراه بود، اما این پیشرفت‌ها به دلیل عوامل ناامنی، فقر، و فرهنگ محافظه‌کارانه محدود ماند. دستاوردهای به‌دست‌آمده شکننده بودند و ادامه‌دار بودن این پیشرفت‌ها

نیازمند ایجاد ثبات سیاسی، بهبود امنیت و تغییرات عمیق اجتماعی بود، بدون رفع این چالش‌ها، خطر از دست رفتن دستاوردهای به‌دست‌آمده وجود داشت، (Dorrnsoro, 2005).

3-1 بازگشت طالبان به قدرت و تغییرات عمده (2021)

با بازگشت طالبان به قدرت در اگوست 2021، افغانستان بار دیگر با تحولات عمده اجتماعی، سیاسی و امنیتی مواجه شد، یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که تحت تأثیر سیاست‌های طالبان قرار گرفت، آموزش زنان و دختران بود، سیاست‌های محدودکننده طالبان، نهمین دستاوردهای دو دهه‌گذشته در زمینه آموزش را به خطر انداخت، بلکه نگرانی‌های بین‌المللی درباره آینده حقوق زنان در این کشور را برانگیخت، یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که به‌طور مستقیم تحت تأثیر سیاست‌های جدید طالبان قرار گرفت، آموزش زنان و دختران بود. در دو دهه‌گذشته، آموزش زنان به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه اجتماعی افغانستان مطرح شده بود، در این دوران، میلیون‌ها دختر افغانستانی به مدارس و دانشگاه‌ها دسترسی پیدا کردند و زنان بسیاری توانستند در عرصه‌های مختلف علمی، سیاسی و اجتماعی نقش‌آفرینی کنند. اما با بازگشت طالبان، سیاست‌های محدودکننده و تبعیض‌آمیز این گروه در قبال حقوق زنان، به‌ویژه در زمینه آموزش، باعث توقف یا معکوس شدن این روند شد، سیاست‌های طالبان که شامل ممنوعیت تحصیل دختران در مقاطع متوسطه و عالی، محدودیت‌های شدید بر استخدام معلمان زن و تعطیلی مدارس غیررسمی می‌شود، تنها به حذف زنان از عرصه‌های آموزشی منجر نشد، بلکه پیامدهای گسترده‌تری بر توسعه انسانی و اجتماعی کشور برجای گذاشت. این سیاست‌ها نهمین موجب نگرانی‌های داخلی شد، بلکه واکنش‌های گسترده‌ای از سوی جامعه جهانی را نیز به همراه داشت، زیرا حقوق آموزشی و برابر زنان در افغانستان به یکی از موضوعات اصلی در مباحث حقوق بشری و سیاست‌های بین‌المللی تبدیل شد، بنابراین تحلیل تأثیرات اجتماعی، سیاسی و امنیتی بازگشت طالبان به قدرت، به‌ویژه در ارتباط با آموزش زنان، نهمین برای درک وضعیت کنونی افغانستان ضروری است، بلکه می‌تواند در تبیین مسیرهای ممکن برای حفظ و تقویت حقوق زنان در این کشور نقش کلیدی ایفا کند.

1-1 تغییرات اجتماعی: پس از بازگشت طالبان، جامعه افغانستان به‌ویژه در حوزه زنان و دختران، با محدودیت‌های شدیدی مواجه شد، در حالی که بسیاری از زنان در دو دهه گذشته به تحصیلات عالی و شغل‌های تخصصی دست یافته بودند، سیاست‌های جدید طالبان بسیاری از آن‌ها را مجبور به ترک شغل و بازگشت به خانه کرد (Brookings Institution, 2022). زنان افغانستانی که در سال‌های اخیر به‌عنوان نماد مقاومت و پیشرفت اجتماعی شناخته می‌شدند، اکنون با خطر حذف از عرصه‌های عمومی مواجه‌اند. محرومیت دختران از آموزش، شکاف جنسیتی در دسترسی به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را عمیق‌تر کرده است، پس از بازگشت طالبان به قدرت، جامعه افغانستان، به‌ویژه زنان و دختران، شاهد عقب‌گردی گسترده در حقوق و آزادی‌های خود بود، در دوره 20 ساله‌ای که با حضور نیروهای بین‌المللی و دولت منتخب افغانستان همراه بود، زنان توانسته بودند پیشرفت‌های چشمگیری در عرصه‌های مختلف از جمله آموزش، اشتغال و مشارکت اجتماعی کسب کنند. بسیاری از زنان به تحصیلات عالی دست یافتند و در نقش‌های کلیدی مانند معلم، پزشک، وکیل، روزنامه‌نگار و حتی مقامات دولتی فعالیت داشتند. این دستاوردها نمادی از امید و تغییر در جامعه‌ای بودند که دهه‌ها تحت تأثیر جنگ و بی‌ثباتی قرار داشت، با روی کار آمدن طالبان، این دستاوردها به‌شدت تهدید شد. سیاست‌های جدید این گروه که مبتنی بر تفسیری سخت‌گیرانه از شریعت اسلامی است، به‌شدت فضای عمومی را برای زنان محدود کرد، بسیاری از زنان شاغل مجبور شدند شغل‌های خود را ترک کنند، زیرا طالبان یا مستقیماً از ادامه فعالیت آن‌ها جلوگیری کردند یا محیط کاری را چنان سخت و غیرقابل‌تحمل ساختند که امکان ادامه حضور زنان در این عرصه‌ها عملاً از بین رفت. به‌عنوان مثال، در بسیاری از نهادهای دولتی، به زنان دستور داده شد که تنها در صورت همراهی با یک محرم (مانند همسر، برادر یا پدر) مجاز به حضور در محل کار باشند. در موارد دیگر، شغل‌های مربوط به زنان یا حذف شدند یا به مردان سپرده شد، علاوه بر این، محدودیت‌ها تنها به شغل‌های تخصصی یا دولتی محدود نشد. زنانی که در بخش‌های خصوصی، مانند مشاغل کوچک خانگی، فروشنده‌گی، یا آموزش در مدارس غیررسمی فعالیت می‌کردند نیز تحت فشار قرار گرفتند. طالبان با نظارت شدید بر فعالیت‌های اقتصادی زنان و اعمال محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی، عملاً فضای کار برای آن‌ها را به حداقل رساندند. این اقدامات نهمین استقلال اقتصادی زنان را تحت تأثیر قرار داد، بلکه خانواده‌هایی که درآمد زنان بخش مهمی از معیشت آن‌ها بود، به‌شدت آسیب دیدند، این تغییرات عمیق اجتماعی و اقتصادی، زنان را به موقعیتی بازگرداند که در آن مجبور به پذیرش نقش‌های سنتی و محدود خانهداری شدند. محرومیت از شغل و استقلال اقتصادی، نهمین دستاوردهای فردی زنان را نابود کرد، بلکه تأثیرات روانی و اجتماعی مخربی نیز به همراه داشت، بسیاری از زنان گزارش داده‌اند که احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و ترس از آینده آن‌ها را فرا گرفته است.

1-2 تغییرات سیاسی: طالبان با اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه و نادیده گرفتن تعهدات بین‌المللی خود در قبال حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان، باعث انزوای سیاسی افغانستان در عرصه بین‌المللی شدند، این سیاست‌ها جامعه جهانی را بر آن داشت تا کمک‌های مالی و توسعه‌ای خود به افغانستان را کاهش دهد. این امر نیز به بحران‌های اجتماعی و آموزشی دامن زد، (UNICEF, 2022). سیاست‌های تبعیض‌آمیز طالبان، از جمله ممنوعیت آموزش دختران بالای کلاس ششم، ممنوعیت ورود زنان به دانشگاه‌ها، و محدودیت بر اشتغال زنان، واکنش‌های گسترده‌ای از سوی جامعه جهانی را به دنبال داشت. سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، و کشورهای متعددی از جمله ایالات متحده، این سیاست‌ها را به‌شدت محکوم کرده و اعلام کردند که این اقدامات نقض آشکار حقوق بشر است (HRW, 2022)، به‌ویژه، حقوق زنان به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی مشروعیت‌دهی به دولت طالبان مطرح شد، و عدم رعایت این حقوق به انزوای دیپلماتیک این گروه منجر شد، یکی از پیامدهای مستقیم این انزوا، کاهش شدید کمک‌های مالی و توسعه‌ای بین‌المللی به افغانستان بود. در دو دهه گذشته، کمک‌های بین‌المللی بخش عمده‌ای از بودجه دولت افغانستان را تأمین می‌کرد، این کمک‌ها نهمین برای خدمات عمومی مانند آموزش و بهداشت حیاتی بودند، بلکه نقش کلیدی در حمایت از پروژه‌های زیربنایی، توسعه اقتصادی، و ارائه خدمات اجتماعی ایفا می‌کردند. با اعمال سیاست‌های محدودکننده طالبان، بسیاری از کشورهای کمک‌کننده تصمیم گرفتند بودجه‌های خود را کاهش داده یا به‌طور کامل متوقف کنند، به‌عنوان مثال، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اعلام کردند که پروژه‌های خود در افغانستان را تا زمانی که حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان، تضمین نشود، به حالت تعلیق درمی‌آورند. همچنین، کمک‌های بشردوستانه که از سوی سازمان ملل و نهادهای غیردولتی ارائه می‌شود، نیز با محدودیت‌هایی مواجه شد، زیرا طالبان بر نحوه توزیع این کمک‌ها نظارت و کنترل شدید اعمال کردند، (UNICEF, 2022). کاهش کمک‌های مالی و انزوای سیاسی افغانستان تأثیرات گسترده‌ای بر بخش آموزش و دیگر خدمات عمومی گذاشت، بسیاری از مدارس، به‌ویژه در مناطق روستایی، که به‌شدت به حمایت‌های مالی خارجی وابسته بودند، با کمبود منابع مواجه شدند، تعطیلی مدارس دخترانه و فشار بر معلمان زن نیز باعث کاهش دسترسی به آموزش در کل کشور شد، همچنان بحران اقتصادی ناشی از قطع کمک‌های مالی باعث شد که بسیاری از خانواده‌ها قادر به حمایت از تحصیل فرزندان خود نباشند. فقر فزاینده، خانواده‌ها را مجبور کرد که فرزندان دختر خود را برای کار یا ازدواج زود هنگام از مدرسه خارج کنند، این مسئله به‌ویژه در مناطق محروم که پیش از این نیز دسترسی به آموزش محدود بود، تشدید شد، (2023, Amnesty International).

3-1 تغییرات امنیتی: بازگشت طالبان به قدرت، ناامنی اجتماعی را برای زنان افزایش داده است، حملات هدفمند علیه مدارس دخترانه، تهدید معلمان زن، و نظارت شدید بر مدارس، محیطی ناامن برای آموزش ایجاد کرده است، به‌عنوان مثال، انفجارهای متعددی که در مراکز آموزشی دخترانه رخ داد، امنیت روانی و فیزیکی دختران دانش‌آموز را تهدید کرده است، (Amnesty International, 2023). بازگشت طالبان به قدرت در اگوست 2021 نهمین باعث ایجاد محدودیت‌های شدید اجتماعی و فرهنگی برای زنان شد، بلکه وضعیت امنیتی را برای آن‌ها، به‌ویژه در حوزه آموزش، به‌شدت متزلزل کرد. در این

دوران، امنیت اجتماعی و فیزیکی زنان و دختران به‌واسطه تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم طالبان و دیگر گروه‌های افراطی به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفت. یکی از حوزه‌هایی که بیشترین آسیب را دید، محیط‌های آموزشی زنان و دختران بود، یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های ناامنی اجتماعی برای دختران، افزایش حملات هدفمند علیه مدارس دخترانه و مراکز آموزشی بود. گروه‌های افراطی، از جمله طالبان و داعش، مدارس دخترانه را به‌عنوان نمادی از مقاومت فرهنگی و اجتماعی هدف قرار داده‌اند. این حملات اغلب با انفجار بمب یا حملات مسلحانه همراه بود، برای مثال در آوریل 2022، یک انفجار مرگبار در نزدیکی یک مرکز آموزشی در غرب کابل، منطقه‌ای که اکثراً متعلق به جامعه هزاره است، جان ده‌ها دانش‌آموز دختر را گرفت و بسیاری دیگر را زخمی کرد. این حملات نه‌تنها جان دختران را به خطر انداخته، بلکه اثرات عمیقی بر امنیت روانی آن‌ها داشته است (Amnesty International, 2023). یکی دیگر از عوامل مهم در ایجاد ناامنی برای زنان و دختران در محیط‌های آموزشی، تهدید مستقیم معلمان زن بود، طالبان در بسیاری از مناطق، معلمان زن را مجبور به ترک شغل کردند یا آن‌ها را تحت فشار قرار دادند که مطابق قوانین سخت‌گیرانه گروه عمل کنند. این فشارها شامل محدودیت در نحوه پوشش، ممنوعیت تدریس برخی موضوعات، و الزام به حضور همراه با محرم در محل کار بود، در کنار این تهدیدات، نظارت شدید طالبان بر مدارس، به‌ویژه مدارس دخترانه، شرایط تحصیل را برای دختران ناامن‌تر کرده است، مأموران طالبان اغلب به‌صورت سرزده به مدارس مراجعه کرده و فعالیت‌های آن‌ها را تحت نظر دارند. این نظارت‌ها محیطی سرشار از ترس و اضطراب برای دانش‌آموزان و معلمان ایجاد کرده است، چراکه هرگونه تخطی از قوانین طالبان ممکن است عواقب جدی داشته باشد، این وضعیت ناامن باعث شده است که بسیاری از خانواده‌ها از فرستادن دختران خود به مدرسه اجتناب کنند. ترس از حملات مسلحانه، تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم، و عدم اطمینان از امنیت جاده‌ها و محیط مدرسه از عوامل اصلی کاهش حضور دختران در مدارس است. حتی در مناطقی که مدارس دخترانه به فعالیت خود ادامه می‌دهند، میزان ثبت‌نام و حضور دانش‌آموزان به‌شدت کاهش یافته است، حملات و تهدیدات مداوم اثرات روانی عمیقی بر دانش‌آموزان دختر داشته است. بسیاری از آن‌ها دچار اختلالات اضطرابی، ترس مزمن و کاهش انگیزه برای تحصیل شده‌اند، خانواده‌ها نیز با فشار روانی مواجه‌اند، چراکه همواره نگران امنیت فرزندان خود هستند، این وضعیت نه‌تنها فرصت تحصیل را از دختران سلب کرده، بلکه تأثیرات بلندمدتی بر توانمندسازی و آینده اجتماعی آن‌ها خواهد داشت.

1-4- پیامدهای سیاست محدودکننده بر آموزش زنان

الف- افزایش نرخ بی‌سوادی: ممنوعیت تحصیل برای دختران بالای 12 سال، به‌طور مستقیم باعث افزایش نرخ بی‌سوادی در میان نسل جوان شده است، این امر تأثیرات بلندمدتی بر توسعه انسانی و اجتماعی افغانستان خواهد داشت (UNESCO, 2022). این محدودیت‌ها باعث شده‌اند تا میلیون‌ها دختر و زن افغانستانی از دسترسی به فرصت‌های آموزشی محروم شوند، که این امر در کوتاه‌مدت موجب کاهش سوادآموزی و در بلندمدت به محدود شدن مشارکت زنان در توسعه کشور انجامیده است، (Human Rights Watch, 2023). محرومیت از آموزش نه تنها باعث شده است میلیون‌ها دختر افغانستانی از حق اولیه خود محروم شوند، بلکه به کاهش سطح سواد عمومی در کشور نیز انجامیده است. در جوامعی که دسترسی به آموزش محدود است، زنان و دختران نمی‌توانند به مهارت‌های اساسی لازم برای پیشرفت در زندگی دست یابند، این امر در کوتاه‌مدت موجب کاهش فرصت‌های شغلی و در بلندمدت به کاهش نیروی کار ماهر در کشور منجر می‌شود. طبق گزارش (UNESCO, 2022)، افغانستان از نظر شاخص‌های آموزشی در میان کشورهای جهان یکی از پایین‌ترین رتبه‌ها را دارد، آموزش زنان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه انسانی و اقتصادی در هر کشور است، با محدود کردن دسترسی دختران به آموزش، طالبان عملاً نیمی از جمعیت افغانستان را از چرخه توسعه حذف کرده‌اند، مشارکت زنان در حوزه‌هایی مانند اقتصاد، سیاست و خدمات اجتماعی مستلزم دسترسی به تحصیلات است. این محدودیت‌ها باعث شده است که زنان افغانستانی نتوانند در فرآیند توسعه کشور نقش فعالی ایفا کنند (Human Rights Watch, 2023). محرومیت زنان از آموزش تنها به یک نسل محدود نمی‌شود؛ بلکه اثرات آن می‌تواند به نسل‌های آینده نیز منتقل شود. مادران بی‌سواد یا کم‌سواد نمی‌توانند در تربیت فرزندان خود نقشی مؤثر ایفا کنند، که این امر در نهایت به کاهش توانمندی نسل‌های آینده منجر خواهد شد. بر اساس مطالعات، آموزش مادران تأثیر مستقیمی بر سطح سواد و سلامت فرزندان دارد (UNESCO, 2022).

ب- تشدید شکاف جنسیتی: سیاست‌های طالبان شکاف جنسیتی در آموزش و فرصت‌های شغلی را عمیق‌تر کرده است در حالی که پسران همچنان اجازه تحصیل دارند، دختران از چرخه آموزش خارج شده‌اند و این موضوع به تقویت نقش‌های سنتی و تبعیض‌آمیز جنسیتی منجر می‌شود (Brookings Institution, 2023). یکی از مهم‌ترین عوامل تعمیق شکاف جنسیتی، محرومیت دختران از تحصیل است، در حالی که پسران همچنان امکان ادامه تحصیل در مدارس و دانشگاه‌ها را دارند، دختران پس از مقطع ششم ابتدایی عملاً از آموزش کنار گذاشته شده‌اند. این سیاست به معنای حذف میلیون‌ها دختر از فرصت‌های تحصیلی است و نقش آن‌ها را تنها به فعالیت‌های خانگی محدود می‌کند (HRW, 2023). محرومیت زنان و دختران از آموزش و فرصت‌های شغلی، نقش‌های سنتی و کلیشه‌ای جنسیتی را تقویت کرده است، در این چارچوب زنان به عنوان افرادی که تنها در امور خانه و خانواده نقش دارند، تعریف می‌شوند. این روند نه تنها آزادی انتخاب زنان را محدود می‌کند، بلکه باعث کاهش توانمندی آن‌ها در ایفای نقش‌های فعال در جامعه می‌شود، آموزش یکی از ابزارهای اصلی برای دسترسی به فرصت‌های شغلی برابر است. با حذف زنان از آموزش، فرصت‌های شغلی برای آنان به شدت کاهش یافته و عرصه‌های کاری تقریباً به مردان اختصاص یافته است این امر منجر به کاهش تنوع جنسیتی در محیط‌های کاری و از دست رفتن توانایی‌های بالقوه زنان در توسعه اقتصادی کشور شده است، محرومیت از آموزش و فرصت‌های شغلی تأثیرات روانی منفی بر دختران و زنان افغان داشته است بسیاری از آن‌ها با حس بی‌ارزشی، افسردگی و ناامیدی مواجه هستند. همچنین نابرابری در فرصت‌ها، حس تبعیض و بی‌عدالتی را در میان زنان تقویت کرده است که این امر موجب افزایش تنش‌های اجتماعی و کاهش همبستگی در جامعه شده است، این شکاف جنسیتی محدود به نسل کنونی نیست، بلکه اثرات آن می‌تواند به نسل‌های آینده نیز منتقل شود. دخترانی که از آموزش محروم می‌شوند، در آینده نمی‌توانند به‌طور مؤثر در تربیت فرزندان خود و انتقال دانش به آن‌ها نقش داشته باشند، این موضوع چرخه‌ای از فقر و نابرابری را برای نسل‌های آینده ایجاد می‌کند.

ج- مهاجرت نخبگان زن: محدودیت‌های آموزشی و حرفه‌ای باعث شده است که بسیاری از زنان تحصیل‌کرده، افغانستان را ترک کنند، این مهاجرت گسترده به خروج نخبگان و تضعیف نیروی انسانی متخصص در کشور منجر شده است، (Amnesty International, 2023). این پدیده، که به "فرار مغزها" معروف است، موجب تضعیف نیروی انسانی و کاهش ظرفیت‌های علمی و تخصصی افغانستان شده است، خانواده‌هایی که ارزش ویژه‌ای برای آموزش قائل هستند، برای تضمین آینده فرزندان خود به مهاجرت به کشورهای با سیستم آموزشی آزاد و برابر روی آورده‌اند. این خانواده‌ها اغلب شامل افرادی با تحصیلات عالی، مشاغل حرفه‌ای، یا توانایی‌های مدیریتی هستند، خروج این افراد موجب از دست رفتن نیروی انسانی متخصص در بخش‌های کلیدی جامعه می‌شود (UNHCR, 2023). با مهاجرت استادان، معلمان و متخصصان آموزشی، نظام آموزشی افغانستان که پیش از این نیز شکننده بود، دچار افت شدیدی شده است، خروج این افراد نه تنها موجب کاهش کیفیت آموزش برای نسل‌های باقی‌مانده می‌شود، بلکه فرصت بازسازی زیرساخت‌های آموزشی کشور را نیز محدود می‌کند، نخبگان علمی و اقتصادی نقش اساسی در نوآوری، توسعه صنعتی و مدیریت اقتصادی یک کشور ایفا می‌کنند. مهاجرت این گروه از افراد به کشورهای دیگر به معنای از دست دادن سرمایه انسانی ارزشمندی است که می‌توانست در بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور تأثیرگذار باشد. بانک جهانی (2023) اشاره کرده است که فرار نخبگان، بهره‌وری اقتصاد افغانستان را در دهه آینده به‌طور قابل‌توجهی کاهش خواهد داد، با کاهش نیروی انسانی متخصص و تضعیف زیرساخت‌های علمی، افغانستان بیش از پیش به کمک‌های بین‌المللی وابسته شده است، در حالی که آموزش زنان می‌توانست بستری

برای افزایش ظرفیت داخلی کشور فراهم کند، محدودیت‌های وضع شده توسط طالبان، کشور را از این فرصت محروم ساخته و اتکای آن به دیگر کشورها را افزایش داده است.

4- امنیت‌ی شدن آموزش بانوان، تحلیل امنیتی شدن آموزش

پس از بازگشت طالبان به قدرت در سال 2021، موضوع آموزش بانوان به یک مسئله امنیتی برای این گروه تبدیل شد محدودیت‌های شدیدی که بر آموزش دختران و زنان اعمال شده، نه تنها آزادی‌های فردی را محدود کرده، بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای جامعه افغانستان به همراه داشته است، این مقاله به تحلیل امنیتی شدن آموزش بانوان، دلایل و انگیزه‌های پشت این مسئله، پیامدهای امنیتی و روش‌های اجرایی طالبان می‌پردازد.

1-4 تحلیل امنیتی شدن آموزش بانوان: امنیتی شدن آموزش به معنای تبدیل آموزش بانوان به یک موضوع تهدیدآمیز برای حاکمیت طالبان و نظم اجتماعی موردنظر آن‌ها است، طالبان با نگاه ایدئولوژیک خود، آموزش زنان را تهدیدی برای ارزش‌های فرهنگی و دینی تلقی می‌کنند که ممکن است هویت سنتی جامعه را تضعیف کند (Brookings Institution, 2023). امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، یک مفهوم کلیدی در مطالعات امنیتی و تحلیل‌های سیاسی معاصر است که به فرآیندی اشاره دارد که در آن موضوعات غیرامنیتی، مانند آموزش، به عنوان تهدیداتی برای امنیت ملی یا نظم اجتماعی تلقی می‌شوند. این فرآیند در چارچوب نظریه «امنیتی‌سازی» (Securitization) «که توسط مکتب کپنهاگ معرفی شده، بررسی می‌شود، در این رویکرد یک موضوع از طریق گفت‌وگوها و سیاست‌های رسمی به یک مسئله امنیتی تبدیل می‌شود که نیازمند اقدامات فوری و خارج از روندهای عادی سیاست‌گذاری است.

طالبان آموزش بانوان را تهدیدی برای ایدئولوژی، فرهنگ و نظم اجتماعی مورد نظر خود می‌دانند، این نگرش از چند محور قابل بررسی است: تهدید به هویت فرهنگی و دینی، طالبان ادعا می‌کنند که آموزش بانوان، به ویژه اگر با ارزش‌های غربی همراه باشد، ممکن است به تضعیف هویت اسلامی و سنتی جامعه افغانستان منجر شود. از دیدگاه آن‌ها آگاهی زنان از حقوق خود و مشارکت در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند ساختارهای قدرت مردسالارانه را به چالش بکشد، نگرانی از تغییرات اجتماعی، آموزش بانوان، به خصوص در سطوح بالاتر، اغلب با افزایش آگاهی و توانمندسازی اجتماعی همراه است که می‌تواند الگوهای سنتی قدرت را متزلزل کند. طالبان این موضوع را یک تهدید مستقیم برای مدل حکمرانی خود می‌دانند، ایدئولوژی افراط‌گرایانه، بر اساس دیدگاه ایدئولوژیک طالبان، نقش زنان باید به خانه و خانواده محدود شود، آموزش زنان به‌ویژه در موضوعات مدرن و علوم به عنوان تضاد با تفسیر افراط‌گرایانه از شریعت اسلامی تلقی می‌شود، آموزش زنان در نگاه طالبان به‌عنوان ابزاری برای توانمندسازی، آگاهی‌بخشی و تقویت حقوق فردی و اجتماعی آن‌ها شناخته می‌شود، این امر با اهداف طالبان که بر حفظ نقش‌های سنتی جنسیتی و جلوگیری از نفوذ ارزش‌های غربی تأکید دارد، در تضاد است (Amnesty International, 2023).

4-2 دلایل و انگیزه‌ها برای امنیتی شدن آموزش

الف- دلایل ایدئولوژیک: طالبان بر پایه تفسیری محدود و سخت‌گیرانه از اسلام عمل می‌کنند که در آن نقش زنان عمدتاً به حوزه‌های خانوادگی محدود شده است، آموزش بانوان به‌ویژه در سطح عالی، از دیدگاه آن‌ها باعث تهدیدی برای هویت اسلامی جامعه و تقویت نگرش‌های غرب‌گرایانه می‌شود (UNESCO, 2022).

ب- دلایل فرهنگی: در فرهنگ‌های سنتی و قبیله‌ای افغانستان، تحصیل زنان هنوز در برخی مناطق با دیدگاه‌های مردسالارانه و قبیله‌ای همراه است، طالبان از این باورهای فرهنگی برای مشروعیت‌بخشی به محدودیت‌های خود استفاده می‌کنند و آموزش زنان را نوعی تغییر فرهنگی غیرقابل قبول معرفی می‌کنند (HRW, 2023).

ج- دلایل سیاسی: آموزش زنان می‌تواند زمینه‌ساز افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی آن‌ها شود که در نهایت به مقاومت مدنی و اجتماعی در برابر حاکمیت طالبان منجر می‌شود، طالبان آموزش زنان را عاملی برای ایجاد نارضایتی و تهدیدی برای ثبات حکومت خود می‌دانند (Amnesty International, 2023).

4-3 پیامدهای امنیتی

الف- تأثیر بر امنیت اجتماعی: محدودیت‌های اعمال شده باعث افزایش نابرابری جنسیتی و ناامیدی در جامعه شده است، حذف زنان از نظام آموزشی و شغلی منجر به افزایش فقر و نارضایتی در میان خانواده‌ها و کاهش همبستگی اجتماعی شده است (UNHCR, 2023).

ب- افزایش رادیکالیسم: محرومیت زنان از آموزش می‌تواند به افزایش احساس بی‌عدالتی در جامعه منجر شود که این موضوع خطرگسترش رادیکالیسم و افراط‌گرایی را افزایش می‌دهد، زنانی که از حقوق اولیه خود محروم هستند، ممکن است به دنبال ابزارهای دیگری برای اعتراض و مقاومت باشند (UN Women, 2023).

ج- تضعیف امنیت ملی: با کاهش سطح تحصیلات و سواد عمومی، توانمندی نیروی انسانی و مشارکت زنان در بازسازی کشور به شدت کاهش یافته است این امر به تضعیف ظرفیت دولت در مدیریت بحران‌ها و پیشبرد توسعه اقتصادی و اجتماعی منجر شده است (UNESCO, 2022).

4-4 روش‌های اجرایی و نظارتی طالبان

الف- اعمال محدودیت‌ها: طالبان از طریق تعطیلی مدارس دخترانه، ممنوعیت ورود زنان به دانشگاه‌ها، و اعمال قوانین سخت‌گیرانه بر مؤسسات آموزشی، توانسته‌اند دسترسی زنان به آموزش را به شدت محدود کنند، این سیاست‌ها با حمایت ایدئولوژیک و فرهنگی در سطح محلی همراه بوده است (Amnesty International, 2023).

ب- استفاده از نهادهای مذهبی: طالبان از مساجد، علمای دینی و رهبران محلی برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های خود استفاده می‌کنند، آن‌ها آموزش زنان را به عنوان تهدیدی دینی معرفی کرده و برای توجیه اقدامات خود به تفاسیر خاصی از شریعت اسلامی استناد می‌کنند (UN Women, 2023).

ج- سیستم نظارتی شدید: طالبان از طریق ایجاد کمیته‌های نظارتی محلی و مأموران امنیتی، اجرای قوانین محدودکننده را نظارت می‌کنند، این اقدامات شامل تفتیش مراکز آموزشی، تهدید معلمان و دانش‌آموزان دختر و جلوگیری از تجمعات اعتراضی مرتبط با آموزش زنان است (Brookings Institution, 2023).

5- پیامدهای اجتماعی و اقتصادی محدودیت‌های طالبان بر زنان افغان (2021-2024)

محدودیت‌های طالبان بر آموزش و کار زنان، پیامدهای عمیقی بر جامعه و اقتصاد افغانستان گذاشته است، این مقاله پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این سیاست‌ها را تحلیل کرده و به مقاومت‌های اجتماعی و مدنی زنان افغان در برابر این محدودیت‌ها می‌پردازد.

5-1 پیامدهای اجتماعی

الف- تأثیرات فرهنگی و اجتماعی: محدودیت‌های آموزشی طالبان باعث تضعیف نقش زنان در جامعه و تقویت نقش‌های سنتی جنسیتی شده است، حذف زنان از نظام آموزشی به گسترش نگرش‌های مردسالارانه در جامعه انجامیده و شکاف جنسیتی را به‌طور چشمگیری افزایش داده است (UN Women, 2023). این سیاست‌ها موجب کاهش آگاهی اجتماعی زنان شده و نقش آن‌ها را تنها به فعالیت‌های خانوادگی و خانه‌داری محدود کرده است. در نتیجه، توانایی آن‌ها در مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی کاهش یافته است (UNICEF, 2023).

ب- اثرات بر هویت زنان: طالبان با محدود کردن آموزش و کار زنان، دسترسی آن‌ها به فرصت‌های پیشرفت و تحقق هویت فردی را محدود کرده‌اند، این محدودیت‌ها به تضعیف هویت زنان به عنوان اعضای فعال و برابر جامعه منجر شده است، بسیاری از زنان با احساس ناتوانی و ناامیدی مواجه شده‌اند که این امر پیامدهای روانی شدیدی به همراه داشته است (HRW, 2023).

5-2 پیامدهای اقتصادی

الف- اثرات بر اقتصاد خانواده‌ها: محرومیت زنان از کار و تحصیل، درآمد خانواده‌ها را به شدت کاهش داده است بسیاری از خانواده‌ها که به درآمد زنان متکی بودند، اکنون با مشکلات اقتصادی جدی روبرو شده‌اند، این کاهش درآمد به افزایش فقر در سطح ملی انجامیده است (World Bank, 2023).

ب- کاهش نیروی انسانی ماهر: حذف زنان از فرآیند آموزش و کار باعث کاهش تعداد نیروی انسانی ماهر و متخصص در کشور شده است، این موضوع بر بخش‌هایی مانند آموزش، بهداشت و خدمات اجتماعی که به نیروی کار زنان وابسته بودند، تأثیر منفی گذاشته و توسعه اقتصادی کشور را با چالش مواجه کرده است (Brookings Institution, 2023).

ج- افزایش وابستگی به کمک‌های بین‌المللی: محدودیت‌های طالبان بر زنان، اقتصاد افغانستان را به شدت آسیب‌پذیرتر کرده و وابستگی به کمک‌های بین‌المللی را افزایش داده است، کاهش مشارکت زنان در اقتصاد به معنای کاهش تولید ناخالص داخلی و کاهش سرمایه انسانی کشور است (UNESCO, 2023).

5-3 مقاومت‌های اجتماعی و مدنی

الف- مدارس زیرزمینی: یکی از برجسته‌ترین اشکال مقاومت زنان، ایجاد مدارس زیرزمینی برای آموزش دختران بوده است، این مدارس که به‌طور مخفیانه فعالیت می‌کنند، تلاش دارند تا از نابودی نسل جدید زنان تحصیل‌کرده جلوگیری کنند، این اقدام نمادی از اراده زنان افغان برای حفظ حق آموزش است (2024, Amnesty International).

ب- کمپین‌های آنلاین: زنان افغانستانی از فضای مجازی برای مبارزه علیه محدودیت‌ها استفاده کرده‌اند، کمپین‌هایی مانند "Let Afghan Girls Learn" در شبکه‌های اجتماعی به جلب توجه جهانی به وضعیت زنان و فشار بر طالبان برای بازنگری در سیاست‌هایشان پرداخته‌اند (UN Women, 2024).

ج- اعتراضات مدنی: با وجود سرکوب شدید، زنان افغانستانی در مناطق مختلف به اعتراضات مدنی علیه سیاست‌های طالبان ادامه داده‌اند، این اعتراضات، اگرچه با واکنش‌های خشونت‌آمیز طالبان روبرو شده، ولی به افزایش آگاهی جهانی نسبت به وضعیت زنان در افغانستان کمک کرده است (2024, Brookings Institution).

6- پیامدهای بین‌المللی محدودیت‌های طالبان بر آموزش زنان افغان (2021-2024)

محدودیت‌های طالبان بر آموزش زنان در افغانستان پیامدهای گسترده‌ای در عرصه بین‌المللی به همراه داشته است، این مقاله به تحلیل واکنش‌های بین‌المللی، تحریم‌ها و فشارهای دیپلماتیک علیه طالبان، و اثرات این محدودیت‌ها بر روابط افغانستان با کشورهای همسایه و افزایش مهاجرت زنان و دختران افغانستانی می‌پردازد.

6-1 تحلیل واکنش‌های بین‌المللی

الف- واکنش سازمان ملل متحد (UN): سازمان ملل متحد در واکنش به سیاست‌های طالبان در مورد آموزش زنان، بارها از این اقدامات انتقاد کرده است، در گزارشی از سال 2023، کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل، از نقض فاحش حقوق بشر در افغانستان و محدودیت‌های شدید بر زنان به شدت انتقاد کرده و خواستار بازگشایی مدارس دخترانه و احیای حقوق تحصیلی زنان شده است (UNHCR, 2023). سازمان ملل همچنین بر لزوم حمایت از دختران و زنان افغان و فراهم کردن فرصت‌های آموزشی برای آن‌ها تأکید کرده است. این سازمان در کنار سایر سازمان‌های بین‌المللی، به دنبال ارائه کمک‌های بشردوستانه برای کاهش اثرات این سیاست‌ها بر زنان و کودکان افغانستانی بوده است (UN Women, 2023).

ب- واکنش یونسکو: یونسکو نیز در بیانیه‌های مختلف خود، از جمله در سال 2023، از محدودیت‌های طالبان به شدت انتقاد کرده و آن‌ها را نقض حقوق بشر و اصول بنیادین آموزش دانسته است، یونسکو همچنین بر اهمیت آموزش زنان و دختران در توسعه پایدار افغانستان و منطقه تأکید کرده و برنامه‌هایی را برای ارتقای آموزش در این کشور ارائه کرده است (UNESCO, 2023).

ج- واکنش عفو بین‌الملل: عفو بین‌الملل در گزارش‌های متعدد خود در سال‌های اخیر، محدودیت‌های طالبان بر زنان را نقض جدی حقوق بشر دانسته است، این سازمان خواستار فشارهای بیشتر به طالبان برای بازگشایی مدارس دخترانه و پایان دادن به سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان و دختران شده است (2024, Amnesty International).

6-2 تحریم‌ها و فشارهای دیپلماتیک

الف- تحریم‌های اقتصادی علیه طالبان: بسیاری از کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا، با وضع تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه طالبان، به اقدام‌های آن‌ها در زمینه محدودیت‌های آموزشی زنان و انکس نشان داده‌اند این تحریم‌ها شامل مسدود کردن دارایی‌های طالبان در بانک‌های بین‌المللی و محدودیت‌های تجاری برای دولت افغانستان بوده است (HRW، 2023). تحریم‌ها، اگرچه به‌طور مستقیم بر طالبان تأثیر می‌گذارد، اما در عین حال باعث آسیب به اقتصاد افغانستان و وضعیت معیشتی مردم نیز شده است، این وضعیت باعث افزایش فقر و بیکاری در کشور شده و شرایط زندگی زنان و خانواده‌ها را پیچیده‌تر کرده است (World Bank، 2024).

ب- فشارهای دیپلماتیک: در سطح دیپلماتیک، کشورهای غربی و منطقه‌ای به‌طور مداوم از طالبان خواسته‌اند تا به تعهدات خود در زمینه حقوق بشر عمل کنند، این فشارها، از جمله در قالب نشست‌های سازمان ملل و مجامع بین‌المللی، شامل درخواست‌های مکرر برای بازگشایی مدارس دخترانه و رفع محدودیت‌های شغلی زنان است (UN Women، 2023).

3-6 اثرات بر روابط منطقه‌ای و مهاجرت

الف- اثرات بر روابط افغانستان با کشورهای همسایه: محدودیت‌های طالبان بر زنان، تأثیرات منفی بر روابط افغانستان با کشورهای همسایه داشته است، کشورهای همسایه افغانستان، به ویژه پاکستان و ایران، از این سیاست‌ها نگران هستند چراکه این وضعیت به بحران‌های انسانی و اقتصادی در منطقه دامن می‌زند. علاوه بر این، بحران‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از محدودیت‌های آموزشی می‌تواند منجر به افزایش پناهنجویان و مهاجران افغان به این کشورها شود (UNHCR، 2024).

ب- افزایش مهاجرت زنان و دختران افغانستانی: محدودیت‌های شدید طالبان در زمینه آموزش، باعث شده تا بسیاری از زنان و دختران افغانستانی برای فرار از این شرایط و به‌دست آوردن فرصتی برای تحصیل به کشورهای دیگر مهاجرت کنند. این پدیده به ویژه در کشورهای همسایه مانند ایران و پاکستان و همچنین کشورهای غربی مشاهده می‌شود (UNICEF، 2023). این روند مهاجرت، به ویژه برای زنان و دختران تحصیل‌کرده که در جستجوی فرصت‌های آموزشی و شغلی هستند، چالش‌های جدیدی ایجاد کرده است. فشارهای مهاجرتی باعث ایجاد بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در کشورهای پذیرنده شده و همچنین بر روابط دیپلماتیک میان افغانستان و کشورهای میزبان تأثیر گذاشته است (Amnesty International، 2024).

7- مقاومت‌ها و راهکارها در برابر محدودیت‌های آموزشی طالبان بر زنان افغان (2021-2024)

محدودیت‌های طالبان بر آموزش و کار زنان، با مقاومت‌های داخلی و تلاش‌های بین‌المللی روبه‌رو شده است، این مقاله به بررسی مقاومت‌های داخلی، مدارس زیرزمینی و آموزش آنلاین، و راهکارهای بین‌المللی برای حمایت از حقوق آموزشی زنان افغان می‌پردازد.

7-1 مقاومت‌های داخلی

الف- نقش جامعه مدنی: جامعه مدنی افغانستان نقشی کلیدی در مقابله با سیاست‌های طالبان ایفا کرده است، نهادهای مدنی با ایجاد شبکه‌های حمایتی و ترویج آگاهی عمومی، تلاش کرده‌اند از حقوق زنان حمایت کنند، این سازمان‌ها از طریق برنامه‌های غیررسمی و مخفیانه، فرصت‌هایی برای آموزش و کار زنان فراهم کرده‌اند (Amnesty International، 2024).

ب- نقش نهادهای آموزشی مستقل: نهادهای آموزشی مستقل، مانند مدارس خصوصی و غیررسمی، به مقاومت علیه محدودیت‌ها کمک کرده‌اند، این مدارس با فعالیت مخفیانه، به دختران افغانستانی امکان دسترسی به آموزش را داده‌اند، برخی از این نهادها همچنین دوره‌های آموزشی آنلاین را به عنوان جایگزینی برای آموزش حضوری ارائه داده‌اند (HRW، 2023).

ج- نقش زنان افغانستانی: زنان افغانستانی با رهبری اعتراضات مدنی، ایجاد مدارس زیرزمینی، و مشارکت در کمپین‌های آنلاین، به‌طور فعال در برابر محدودیت‌ها مقاومت کرده‌اند، این اقدامات، نشان‌دهنده عزم و اراده زنان افغان برای حفظ حقوق خود در برابر سرکوب طالبان است (UN Women، 2023).

7-2 مدارس زیرزمینی و آموزش آنلاین

الف- مدارس زیرزمینی: مدارس زیرزمینی یکی از موثرترین ابزارهای مقاومت زنان افغانستانی بوده است، این مدارس به‌طور مخفیانه در خانه‌ها و مکان‌های غیررسمی فعالیت می‌کنند و آموزش دختران را در سطوح مختلف فراهم می‌کنند. معلمان و داوطلبان، با به‌خطر انداختن جان خود، به دختران افغانستانی فرصت یادگیری داده‌اند (UNESCO، 2023).

ب- آموزش آنلاین: آموزش آنلاین به یکی از مهمترین ابزارهای مقاومت در برابر محدودیت‌های طالبان تبدیل شده است، با حمایت نهادهای بین‌المللی، برنامه‌های آموزشی آنلاین به زبان‌های محلی و بین‌المللی ارائه شده و دانش‌آموزان افغان از طریق اینترنت به دوره‌های آموزشی دسترسی پیدا کرده‌اند، این روش، به ویژه در مناطق شهری که دسترسی به اینترنت وجود دارد، موثر بوده است (Brookings Institution، 2024).

ج- چالش‌ها: با وجود این تلاش‌ها، محدودیت‌های طالبان، مانند قطع اینترنت و سرکوب مدارس زیرزمینی، مقاومت را دشوار کرده است. اما زنان افغانستانی همچنان به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند و در جستجوی راه‌های جدید برای حفظ حق آموزش هستند (Brookings Institution، 2024).

7-3 راهکارهای بین‌المللی

الف- فشارهای جهانی: کشورهای مختلف و سازمان‌های بین‌المللی، با اعمال تحریم‌ها و فشارهای دیپلماتیک، طالبان را تحت فشار قرار داده‌اند تا سیاست‌های خود را تغییر دهند، این اقدامات شامل تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های دیپلماتیک و درخواست‌های مکرر برای بازگشایی مدارس دخترانه بوده است (UN Women، 2023).

ب- حمایت از برنامه‌های آموزش آنلاین: سازمان‌هایی مانند یونسکو و یونیسف، برنامه‌های آموزشی آنلاین را به‌عنوان راهکاری برای حمایت از آموزش دختران افغانستانی ارائه کرده‌اند، این برنامه‌ها شامل توزیع لپ‌تاپ‌ها، تبلت‌ها، و ارائه اینترنت رایگان در مناطق خاص است، همچنین همکاری با پلتفرم‌های بین‌المللی آموزشی برای ارائه دوره‌های رایگان و معتبر به دختران افغانستانی از دیگر اقدامات بوده است (UNICEF، 2023).

ج- برنامه‌های کمک‌رسانی: برنامه‌های کمک‌رسانی بین‌المللی، با هدف حمایت از زنان و دختران افغان، شامل ارائه بورسیه‌های تحصیلی، ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان، و ارائه حمایت‌های روانی و اجتماعی بوده است، این برنامه‌ها تلاش دارند تا اثرات منفی محدودیت‌های طالبان را کاهش دهند (2024)، (Amnesty International).

8- نتیجه گیری

امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، یکی از شدیدترین و ساختارشکنانه‌ترین تغییرات اجتماعی در تاریخ معاصر این کشور بوده است، سیاست‌های طالبان که آموزش دختران را به یک مسئله امنیتی و ایدئولوژیک تبدیل کرده است، بر مبنای نگرش‌های سنت‌گرایانه و افراطی نسبت به نقش زنان در جامعه بنا شده است. این سیاست‌ها نه تنها حقوق زنان را نقض کرده، بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای توسعه اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی افغانستان به همراه داشته است. از منظر امنیتی، طالبان آموزش زنان را تهدیدی علیه هژمونی ایدئولوژیک خود قلمداد می‌کنند. این نگرش ناشی از ترس از تحول اجتماعی است که می‌تواند نظم سنتی و قدرت طالبان را به چالش بکشد. از سوی دیگر، سرکوب آموزش بانوان، با عمیق‌تر کردن شکاف جنسیتی، موجب تقویت نقش‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی شده و در بلندمدت پایداری اجتماعی و امنیت انسانی را در افغانستان تضعیف کرده است.

این سیاست‌ها به مهاجرت نخبگان، تشدید نارضایتی‌های اجتماعی، و ظهور مقاومت‌های مدنی منجر شده است مدارس زیرزمینی، آموزش آنلاین، و اعتراضات مدنی نشان‌دهنده عزم و اراده زنان افغان برای مقابله با این محدودیت‌ها است. اما با وجود این تلاش‌ها، طالبان از طریق روش‌های امنیتی مانند سرکوب، نظارت، و اعمال خشونت، این مقاومت‌ها را تحت فشار قرار داده‌اند، در عرصه بین‌المللی، محدودیت‌های طالبان با واکنش‌های گسترده مواجه شده است. فشارهای دیپلماتیک، تحریم‌های اقتصادی، و حمایت از برنامه‌های آموزشی آنلاین از سوی جامعه جهانی، به رغم تأثیرات مثبت، تاکنون نتوانسته‌اند تغییری بنیادین در سیاست‌های طالبان ایجاد کنند.

در مجموع، امنیتی شدن آموزش بانوان نه تنها حقوق انسانی زنان افغان را هدف قرار داده، بلکه ظرفیت‌های توسعه پایدار افغانستان را به شدت محدود کرده است. این بحران نیازمند رویکردی چندجانبه است که شامل حمایت از نهادهای مدنی، تقویت مقاومت‌های داخلی، و افزایش فشارهای بین‌المللی بر طالبان برای تغییر سیاست‌های تبعیض‌آمیز می‌باشد. آینده افغانستان به توانایی جامعه بین‌المللی و مردم افغانستان در غلبه بر این چالش بستگی دارد.

منابع

1. احمدی، حسن (1402). طالبان و بازگشت به افراطگرایی: تأثیرات بر حقوق زنان و آموزش، تهران: انتشارات پژوهش‌های استراتژیک
2. احمدی، مریم. (1401). "امنیتی‌سازی آموزش زنان: تحلیل سیاست‌های طالبان." فصلنامه مطالعات منطقه‌ای غرب آسیا. شماره 5، صفحات 45-62
3. جلالی، فاطمه (1401) تبعیض جنسیتی در افغانستان: بررسی محدودیت‌های آموزشی طالبان، مشهد: نشر عدالت
4. جلیلی، زهرا. (1402). "نقش مقاومت‌های زنان افغان در برابر محدودیت‌های آموزشی." مجله حقوق و توسعه انسانی. شماره 8، صفحات 33-50
5. حسینی، محمدعلی (1402)، امنیت انسانی و نقش زنان در توسعه افغانستان، قم: مرکز تحقیقات اسلامی
6. حسینی، مهدی (2024)، امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان پس از تسلط طالبان، نشریه سیاست و امنیت، شماره 18، صفحات 45-68.
7. حسینی، علی. (1402). "بازتاب بین‌المللی سیاست‌های طالبان در زمینه حقوق زنان." فصلنامه سیاست و امنیت بین‌الملل. شماره 3، صفحات 20-38
8. رحیمی، احمد (2023)، بررسی چالش‌های امنیتی آموزش بانوان در افغانستان بعد از بازگشت طالبان به قدرت، مجله مطالعات آسیای مرکزی، شماره 12، صفحات 95-115
9. رضایی، نرگس (1401)، تحلیل تطبیقی سیاست‌های طالبان با حقوق زنان در اسلام، تهران: انتشارات اندیشه نوین
10. رضوی، مهدی. (1401). "آموزش زیرزمینی در افغانستان: راهکاری برای مقابله با طالبان." مجله جامعه و توسعه. شماره 7، صفحات 55-70
11. سعیدی، محمد (2023)، امنیت و حقوق زنان: آموزش بانوان در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، مجله زنان و سیاست، جلد 8، شماره 2، صفحات 130-150
12. سلیمانی، الهه (1402)، حقوق زنان در افغانستان پس از طالبان: از آموزش تا اشتغال، کابل: انتشارات آریانا
13. طاهری، حسین (2024)، آموزش بانوان در افغانستان: چالش‌ها و تهدیدات امنیتی پس از 2021، نشریه مطالعات حقوق بشر، شماره 10، صفحات 60-85.
14. عیدی، رضا (2021)، امنیتی شدن آموزش بانوان در افغانستان: دلایل و پیامدها، نشریه سیاست‌های جهانی، شماره 11، صفحات 150-170
15. محمدی، محمد (2022)، آموزش زنان در افغانستان تحت حاکمیت طالبان: بین امنیت و حقوق بشر، نشریه مطالعات سیاسی، جلد 15، شماره 4، صفحات 60-85.
16. مهدوی، احمد رضا (1400)، بازتاب سیاست‌های طالبان در نظام آموزشی افغانستان، هرات: نشر فرزندگان
17. موسوی، علی (2022)، تأثیر تحولات سیاسی بر امنیتی شدن آموزش زنان در افغانستان، نشریه مطالعات اجتماعی، جلد 9، شماره 5، صفحات 77-98
18. نادری، علی (1403)، امنیت اجتماعی و نقش زنان در بازسازی افغانستان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
19. نظری، فاطمه. (1403). "حقوق بشر و سیاست‌های جنسیتی طالبان." فصلنامه مطالعات حقوق بشر. شماره 12، صفحات 10-25
20. یوسفزاده، سعید (2023)، بازگشت طالبان و محدودیت‌های آموزشی برای زنان افغانستان: تجزیه و تحلیل امنیتی، مجله امنیت بین‌الملل، شماره 7، صفحات 122-140
21. یوسفی، زهرا (1402)، تحلیل روان‌شناختی تأثیرات سرکوب آموزشی بر زنان افغان، تهران: انتشارات روان‌شناسی اجتماعی

منابع خارجی

22. Bhatia, A., & Gopalakrishnan, S. (2023). *Women's education under Taliban: A human rights perspective*. Oxford University Press.
23. Brookings Institution. (2024). *Digital solutions for Afghan girls' education*. Brookings Institution Press.
24. Human Rights Watch. (2023). *Afghanistan: No right to education for women*. HRW Reports.
25. Johnson, C. (2022). Gender disparities in Afghanistan's education system. *Journal of Human Development and Education*, 15(4), 56-72.
26. UNESCO. (2023). *Education in crisis: The impact of Taliban policies on Afghan women*. UNESCO Publications.
27. UNICEF. (2023). *Girls' education in Afghanistan: Challenges and opportunities*. UNICEF Press.

28. Amnesty International. (2024). *Hidden schools in Afghanistan: Resilience under Taliban rule*. Amnesty International Publications.